حضرت امیر المومنین(ع):
هیچ عملی نزد خداوند، محبوب‌تر از نماز نیست، پس هیچ کار دنیایی شما را در وقت نماز به خود مشغول ندارد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامک: ۱۰۰۰۲۲۳۱ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

اخبار

آخرین نقش‌آفرینی علی انصاریان در سینما پروانه نمایش گرفت

فیلم‌های سینمایی «رمانتیسم عماد و طوبا» ساخته کاوه صباغ‌زاده و «طبقه یک و نیم» اثر نوید اسماعیلی موفق به اخذ پروانه نمایش شدند. به گزارش «وطن‌امروز»، پروانه نمایش ۲ فیلم سینمایی «رمانتیسم عماد و طوبا» به کارگردانی کاوه صباغ‌زاده و «طبقه یک و نیم» به کارگردانی نوید اسماعیلی صادر شد. در خلاصه داستان فیلم «رمانتیسم عماد و طوبا» که برای نخستین بار در سی‌ونهمین دوره از جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، آمده است: «وقتی سرنوشت برای نخستین بار عماد و طوبا را روبه‌روی هم قرار داد، هر ۲ خوب می‌دانستند که عشق بیشتر یک مهارت است تا هیجان و تپش قلب و خارش پوست». الناز حبیبی، حسام محمودی و مرحوم علی انصاریان از جمله بازیگران فیلم سینمایی «رمانتیسم عماد و طوبا» هستند و مهدی صباغ‌زاده نیز تهیه‌کنندگی این اثر را بر عهده دارد.

«رمانتیسم عماد و طوبا» آخرین نقش‌آفرینی مرحوم علی انصاریان در سینما به‌شمار می‌آید. همچنین فیلم سینمایی «طبقه یک و نیم» نیز کمدی اجتماعی با فضایی خاص است که نخستین اثر سینمایی نوید اسماعیلی در مقام کارگردان محسوب می‌شود. داستان این فیلم در کارخانه‌ای می‌گذرد که مدیرعامل آن روزی با ورود به محل کار، متوجه اتفاقاتی غیرمنتظره می‌شود و همین سرآغاز ماجراهای مختلف فیلم است. مهدی هاشمی، مهران رجبی، صحرا اسداللهی، سیروس همتی، خسرو احمدی، قاسم زارع، شهره سلطانی، بهروز پناهنده، رامتین پورقاسمیان، مهدی موسوی، مهرداد عزیزی‌پارسا، مریم فرجی و امیرمحمد متقیان همراه با مانی سقاباشی به عنوان بازیگر خردسال، ترکیب بازیگران «طبقه یک و نیم» را تشکیل می‌دهند.

کتاب «چارقدی پر از ماهی گلی» منتشر شد

«چارقدی پر از ماهی گلی» به قلم معصومه هوشمند با مجموعه روایت‌هایی از مادران شهدا توسط «سوره مهر» منتشر شد. این کتاب در برگیرنده ۹ روایت از ۱۰ مادر شهید از خطه هرمزگان است؛ مجموعه‌ای که به همت معصومه هوشمند و با همراهی دفتر مطالعات فرهنگ و مطالعات پایداری این استان شکل گرفته است. «چارقدی پر از ماهی گلی» در قالب روایت‌هایی از خاطرات این مادران به شهیدان موسی کاتبی، علی اکرامی، فرزاد مسافری، محمدرضا یزدی‌یحیی‌آبادی، عبدالرضا مجیدی، رضا و حسین رایکا، اسحاق اسطحی، غلام شاه‌ذاکری‌قشمی و علیرضا آرمات پرداخته است. گفتن از حس‌وحال و لحظه‌هایی که هر کدام از این مادران در طول جنگ تجربه کرده‌اند تا شنیدن خبر شهادت فرزندان‌شان محوریت اصلی هر کدام از این روایت‌ها محسوب می‌شود. به گفته هوشمند، نویسنده این مجموعه، «چارقدی پر از ماهی گلی» نتیجه آشنایی او با اعظم پشت‌مشهدی، کارشناس مسؤول دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری هرمزگان است و بخش عمده‌ای از مصاحبه‌ها زیر نظر و توسط او انجام شده است. این کتاب در نوبت اول چاپ در ۱۲۵۰ نسخه با ۲۱۲ صفحه منتشر و راهی بازار شده است.

باحکم رئیس رسانه ملی

حسین قرایی مدیرکل روابط عمومی صداوسیما شد

رئیس رسانه ملی در حکمی حسین قرایی را به سمت «مدیرکل روابط عمومی» سازمان صداوسیما منصوب کرد.

به گزارش «وطن‌امروز» به نقل از روابط عمومی رسانه ملی، پیمان جبلی، رئیس رسانه ملی در حکمی حسین قرایی را به سمت «مدیرکل روابط عمومی» سازمان صداوسیما منصوب کرد.

وی در این حکم ماموریت‌هایی از جمله «تقویت ارتباط همدلانه در خانواده بزرگ رسانه ملی»، «تحکیم مناسبات صمیمانه با جامعه هنری و هنرمندان»، «تبیین روشن و فعال‌سازی زمینه‌ها و فرصت‌های هم‌افزایی رسانه ملی با دیگر نهادها و دستگاه‌ها»، «گسترش و تعمیق ارتباط نهادینه نخبگان با سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی»، «ارتباط مستمر و گسترده با جمهور مردم و تعبیه سازوکارهای مناسب برای اطلاع بهنگام و دقیق از ظرفیت‌ها و نیازهای لایه‌های اجتماعی» و «تنظیم و هماهنگ‌سازی ارتباطات هم‌افزا با رسانه‌ها» را برای مدیرکل جدید روابط عمومی رسانه ملی تعیین کرده است.

قرایی پیش از این معاون فرهنگی - دانشجویی دانشگاه صداوسیما و مشاور رئیس سازمان تبلیغات اسلامی بود. او همچنین مدیریت هنرستان صداوسیما، ریاست روابط عمومی سازمان هنری- رسانه‌ای اوج و تدریس در دانشگاه را در کارنامه خود دارد. قرایی کتاب‌های متعددی از جمله «کوچ لبخند»، «از صدای سخن شعر»، «از سناباد شعر»، «انسان، رزمنده، نویسنده»، «حوالی روشن صدا»، «از مشهد تا ژوهانسبورگ»، «همسایه سدر و همسفر رود»، «در جست‌وجوی مهتاب»، «دلت را خانه ما کن»، «اتل متل یه شاعر» و «شمع بیت‌المال را خاموش کن» را به رشته تحریر درآورده است. رئیس رسانه ملی در این حکم همچنین از «تلاش‌های صادقانه» محمدحسین رنجبران در دوران تصدی این سمت قدردانی کرد.

نگاهی به کاهش تولید برنامه‌های عروسکی به بهانه پایان جدیدترین دوره جشنواره فیلم کودک

دزد عروسک‌ها!

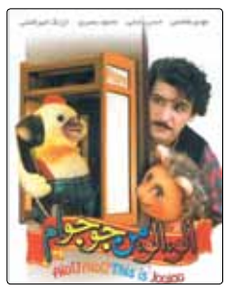

گروه فرهنگ و هنر: این روزها همزمان با برگزاری جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان، بازخوانی‌هایی درباره آثار باکیفیت حوزه کودک و نوجوان می‌شود؛ بازخوانی‌هایی که دهه‌های پرافتخار ۶۰ و ۷۰ خورشیدی را که اوج فعالیت برای کودکان و نوجوانان بود (و شاید همین جشنواره فیلم کودک و نوجوان به نوعی محصول فعالیت‌های کم‌نظیر آن دهه است) یادآوری می‌کند؛ فعالیت‌هایی که عمدتا عروسک‌محور و مبتنی بر قصه‌های تربیتی و اخلاقی بودند. گلنار، گربه آوازه‌خوان، دزد عروسک‌ها، مدرسه موش‌ها، سری کلاه قرمزی، خونه مادربزرگه، سفر جادویی، الو الو من جوجوام و... از جمله فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی بودند که با محور قرار دادن عروسک، توانسته بودند قصه‌های کم‌نظیری را برای مخاطبان کودک و نوجوان تهیه کنند. در ۲ دهه بعد یعنی دهه‌های ۸۰ و ۹۰، بتدریج از نمایش‌های عروسکی در فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی کاسته شد. اگر دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شخصیت‌های عروسکی شناخته شده بودند، در نیمه دوم دهه ۹۰ فقط عروسکی به نام جناب‌خان بود که برای عموم مردم شناخته شد. عدم فعالیت در حوزه عروسکی باعث شد تیم‌های عروسکی نیز توسعه نیابند، تا آنجا که هنوز کارگردان‌های اصلی عروسکی در سال ۱۴۰۰، همان‌هایی هستند که ۲ دهه قبل کارهای عروسکی را روی آنتن و پرده می‌بردند. ایرج طهماسب، حمید جبلی و مرضیه برومند معروف‌ترین چهره‌هایی هستند که هنوز هم امیدهای اصلی برای تهیه کارهای عروسکی باکیفیت هستند. یکی از شبکه‌های نمایش خانگی این روزها از برومند دعوت به فعالیت کرده و او در حال حاضر یک کار عروسکی را برای شبکه نمایش خانگی تولید می‌کند. غیر از اینها اما گزینه شناخته‌شده‌ای در عرصه نمایش عروسکی فعالیت ندارد. یکی از دلایل این اتفاق عدم اعتماد تلویزیون به نیروهای جوان است. مدیران در سال‌های گذشته تلاش قابل قبولی برای تربیت عروسک‌گردان‌ها و چهره‌های حوزه عروسکی و کارگردانی در این حوزه نکرده‌اند. این اتفاق می‌توانست با سپردن برنامه‌های ترکیبی و دادن نقش فعال به عروسک و شخصیت عروسکی در آن آغاز شود.

از سوی دیگر قصه‌های عروسکی زمانی جدی گرفته می‌شوند که مدیران تلویزیونی به این مهم توجه داشته باشند که مخاطب این حوزه مخاطب قابل توجهی است. برنامه‌های عروسکی با هر محتوایی که روی آنتن صداوسیما می‌روند، بیش از همه توجه کودکان و نوجوانان را به خود جلب می‌کنند. از سوی دیگر اگر بخواهیم به پیشینه فیلم‌های عروسکی سینمای ایران رجوع کنیم باید به فیلم عروسکی «ابراهیم در گلستان» (این فیلم به بخشی از زندگی حضرت ابراهیم(ع) اشاره دارد) به کارگردانی ایرج امامی اشاره کرد که در نخستین دوره جشنواره فیلم فجر در سال ۶۱ به نمایش درآمد و می‌توان گفت این فیلم عروسکی مقدمه‌ای شد برای تولید فیلم‌های عروسکی شاخص دهه‌های ۶۰ و ۷۰ سینمای ایران؛ فیلم‌هایی که هر کدام به آثار درخشان سینمای کودک بدل شده است که جای خالی آنها در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بشدت در سینمای کودک احساس می‌شد. هر چند مرضیه برومند و ایرج طهماسب طی سال‌های اخیر با ساخت فصل‌های جدید کلاه قرمزی و شهر موش‌ها سعی کردند ضمن آنکه خاطرات خوش کودکان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را دوباره زنده می‌کنند، نقشی در خاطره‌سازی برای کودکان دهه‌های ۸۰ و ۹۰ داشته باشند اما این ۲ مجموعه محبوب بیشتر برای بزرگ‌ترها جذاب بوده است تا کودکان دهه‌های ۸۰ و۹۰. در این میان اما باید به فیلمسازانی چون محمدرضا هنرمند و مسعود کرامتی نیز اشاره کرد که زمانی آثار شاخص سینمای کودک را به تولید رسانده‌اند اما در ادامه مسیر فیلمسازی خود دیگر سراغ فیلم عروسکی و سینمای کودک نرفتند.

«دزد عروسک‌ها» به کارگردانی محمدرضا هنرمند از دیگر فیلم‌های خاطره‌انگیز دهه ۶۰ خورشیدی است که اکبر عبدی و آزیتا حاجیان در آن نقش داشتند تا با همراهی عروسک‌ها، داستانی رئال-عروسکی را به تصویر بکشند. مسعود کرامتی هم در عرصه سینمای کودک و نوجوان یکی از آثار به یادماندنی با نام «پاتال و آرزوهای کوچک» را خلق کرده که سال ۶۸ در جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان نمایش داده شد. این فیلم که نویسندگان اولیه آن رضا کیانیان و مهدی سجاده‌چی بودند، سال ۹۳ در شبکه نمایش خانگی توزیع شد. در این فیلم هم چهره‌های مطرحی از سینمای ایران حضور داشتند که به بازیگری رضا کیانیان و احمد آقالو، آهنگسازی محمدرضا علیقلی و تدوین مرحوم رسول ملاقلی‌پور می‌توان اشاره کرد. در پایان باید گفت احیای فیلم‌های عروسکی متناسب با امکانات روز سینمای جهان یکی از مهم‌ترین راهکارها برای احیای سینمای کودک در کشور است که امیدواریم این اتفاق هرچه سریع‌تر رخ دهد.

[شترگاوپلنگ سینمای کودک!]

در عمده فیلمنامه‌هایی که برای کودک و نوجوان خلق و تبدیل به اثر سینمایی می‌شود، تفکیک بین مخاطب کودک با نوجوان به چشم نمی‌آید. در واقع در بهترین حالت یک اثر می‌تواند مخاطب کودک و نوجوان را با هم داشته باشد و کمتر محصولی است که مخصوص نوجوانان نوشته و ساخته شود. بسیاری از فیلم‌هایی که تحت عنوان فیلم کودک شناخته می‌شوند، باید شرط ورود ۱۲+ سال را روی آنها حک کرد. از جمله سری‌دوزی فیلم‌های «آهوی پیشونی سفید» که بسیاری از کودکان پس از تماشای فیلم دچار اضطراب و هراس بالایی شده بودند. معیارهای گیشه‌ای نیز موجب شده در فیلم‌های اینچنینی مخاطب بزرگسال هم درگیر شود و پخش قطعات موسیقی نوستالژیک پیش از انقلاب همراه رقص و آوازهایی که ارجاع به سال‌های دور می‌کند، می‌تواند به عنوان شاهد مثالی باشد که کارگردان تلاش داشته همزمان کودک، نوجوان و بزرگسال را در گیشه خود جای دهد. اگر چه ضروری است اثر سینمایی بتواند مخاطبان بزرگسال و خانواده‌ها را نیز با خود همراه کند اما خلق شترگاوپلنگی به نام فیلم کودک راه‌حل این اتفاق نیست.

در حالی که دنیای نویسندگان ادبیات داستانی در حوزه بزرگسال به صورت چشمگیری اشباع شده است، نویسندگان زیادی نیستند که در حوزه ادبیات کودک و فیلمنامه‌های داستانی کودکان قلم بزنند. همان‌طور که عنوان شد حضور نویسنده‌ای در این ژانر به معنای تمرکز کامل بر این حوزه است، در حالی که بسیاری از نویسندگان از تمرکز بر یک حوزه سر باز می‌زنند. همچنین کودکان و نوجوانان به عنوان مخاطبان غیرجدی و کم‌اهمیت ادبیات داستانی و سینما شناخته می‌شوند. در حالی که تجربه «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر» نشان می‌دهد خلق اثر برای مخاطب کودک و نوجوان به مراتب تاثیرگذاری بسیار بیشتری به نسبت گروه سنی بزرگسال دارد. همچنین اگرچه فعالیت در سینمای کودک با چالش‌ها و موانع فراوانی روبه‌رو است اما تجربه گیشه در سینمای ایران و جهان نشان داده فیلم‌های پرقوت در سینمای کودک و نوجوان با اقبال بالای مخاطب و در نتیجه سود اقتصادی برای سرمایه‌گذار همراه است. سخن کوتاه اینکه چالش‌های موجود نمی‌تواند اهمیت و ظرفیت بالای فرهنگی- اقتصادی سینمای کودک را کاهش دهد. تقویت فضای داستان‌نویسی کودک و نوجوان نیازمند شبکه پیچیده‌ای از کنشگران است که باید همزمان به رفع چالش‌های پیش روی آنها پرداخت.

ما هر روز از دهه‌های طلایی

سینمای کودک و نوجوان دور می‌شویم

کارگردان فیلم سینمایی «لیپار» از دست دادن مخاطب کودک و نوجوان را زنگ خطری برای نسل آینده دانست.

به گزارش «وطن‌امروز»، حسین ریگی، کارگردان فیلم سینمایی «لیپار»، برنده پروانه زرین بهترین کارگردانی در سی‌وچهارمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان درباره اهمیت برگزاری جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان گفت: جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان می‌تواند مهم‌ترین رویداد سینمایی در ایران باشد یعنی حتی از جشنواره ملی فیلم فجر هم مهم‌تر است.

کارگردان فیلم «لیپار» با ابراز تاسف از کم‌توجهی به سینمای کودکان و نوجوانان اظهار کرد: ما هر روز از دهه‌های طلایی آثار کودکان و نوجوانان دور می‌شویم و این خیلی خطرناک است.

او افزود: دور شدن از فضای کودک و نوجوان باعث می‌شود فیلمسازان در این زمینه دیگر تولیداتی نداشته باشند و برای ساخت آثار خود برای این گروه سنی تمایل نشان ندهند. این موضوع منجر به از دست رفتن مخاطب ما که باید روی او در بحث‌های آموزشی، پرورشی و استعدادیابی سرمایه‌گذاری شود، می‌شود.

کارگردان مستند «فصل بادهای گرم» از دست دادن مخاطب کودک و نوجوان را زنگ خطری برای آینده دانست و افزود: مدیران مرتبط با این حوزه، وزیر ارشاد، وزیر آموزش‌وپرورش و تمام نهادها مثل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان باید جدی‌تر به مقوله فیلمسازی در زمینه کودکان و نوجوانان بپردازند.

کارگردان انیمیشن «عبور ممنوع» با یاد کردن از علی لندی، نوجوان ۱۵ ساله ایذه‌ای که در حادثه آتش‌سوزی برای نجات ۲ زن سالمند جانش را از دست داد، گفت: فیلم من درباره ۵ نوجوان در سیستان و بلوچستان است که هر کدام از آنها برای آینده‌شان رویا و برنامه‌ریزی دارند. علی لندی هم قطعا به عنوان یک نوجوان رویا و برنامه‌ریزی‌هایی برای خودش داشته است. وقتی یک انسان در جایگاهی قرار می‌گیرد که بین خیال‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده‌اش، نجات جان هموطن خود را انتخاب می‌کند- در زمانی که هیچ کس اجباری برای نجات دیگران برایش به وجود نیاورده است- نامی جز رشادت نمی‌توان برایش در نظر گرفت.

برنده پروانه زرین بهترین کارگردانی سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان درباره اهدای جایزه‌اش به علی لندی به صبا گفت: پیشنهاد یکی از دوستانم باعث شد به اهدای جایزه به علی لندی فکر کنم. بازیگر نوجوان فیلم هم این تصمیم را داشت که اگر در بازیگری جایزه‌ای به دست آورد و کارش دیده شود، جایزه را به این نوجوان فداکار اهدا کند.

نمایشی برای رزمنده دوست داشتنی مشهدی

مرتضی شاه‌کرم، «برونسی» را به صحنه تئاتر می‌آورد

مرتضی شاه‌کرم، نویسنده، کارگردان و بازیگر، نمایش «برونسی» را در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌برد. به گزارش «وطن‌امروز»، نمایشنامه «برونسی» نوشته مرتضی شاه‌کرم، سال گذشته در مجموعه آثار «قلم روشن» که شامل ۸ نمایشنامه از زندگی ۸ شهید دفاع‌مقدس بود، منتشر شد.

شاه‌کرم که به عنوان یکی از راویان مقاومت شناخته می‌شود و نگارش و کارگردانی آثار زیادی با موضوع دفاع‌مقدس در کارنامه هنری‌اش به چشم می‌خورد، در این اثر به زندگی یکی از سرداران شهید کشور می‌پردازد که شاید تاکنون آنطور که شایسته است، شناخته نشده است. عبدالحسین برونسی یکی از قهرمانان ملی است که در ایام زندگی‌اش سابقه مبارزاتی علیه شاه داشت و سپس به جنگ علیه دشمن بعثی رفت و در عملیات بدر به مقام شهادت نائل آمد. زندگی او پر از فراز و نشیب‌های متعدد است و در این نمایش چند مقطع از سیر زندگی او بررسی می‌شود. نمایش «برونسی» ۴ مقطع از زندگی این شهید بزرگوار خراسانی که شامل سربازی، زمان انقلاب، بعد از انقلاب و دوران جنگ و شهادت است را نشان می‌دهد. در این نمایش ۴ موقعیت منفک از هم که به یکدیگر مرتبط هستند در ۴ تابلو به تصویر کشیده می‌شود. تمرینات نمایش «برونسی» با رعایت پروتکل‌های بهداشتی آغاز شده است و در زمان اجرا هم با برنامه‌ریزی صحیح و رعایت کامل دستورالعمل‌های ستاد کرونا روی صحنه خواهد رفت. عواملی که تاکنون حضورشان در این اثر قطعی شده است عبارتند از دستیار کارگردان: مهدی کبه، مشاور کارگردان: میلاد خرمن‌بیز و جواد نوری، طراح صحنه: سینا ییلاق‌بیگی، طراح لباس: زهره غلامی، طراح نور: رضا خضرایی، طراح پوستر: پریا کاظمی، موسیقی: احمد صمیمی و جواد مدنی، منشی صحنه: مائده جلالی و عکاس: سمیه میری. این نمایش ۱۱ بازیگر دارد که اسامی بازیگران پس از انتخاب نهایی اعلام خواهد شد.

با به پایان رسیدن جشنواره سیتخس

بهترین‌های ژانر وحشت انتخاب شدند

فیلم ژانر وحشت «بره» برنده فستیوال فانتزی سیتخس ۲۰۲۱ در اسپانیا شد. به گزارش «وطن‌امروز»، فیلم ژانر وحشت ایسلندی «بره» با نقش‌آفرینی نومی راپاس برنده جایزه اصلی بهترین فیلم سینمایی فستیوال فیلم فانتزی و وحشت سیتخس شد. این فیلم که نخستین ساخته والدیمار یوهانسون از ایسلند بود، امسال نخستین نمایش خود را در بخش نوعی نگاه فستیوال فیلم کن تجربه کرد. این فیلم افسانه‌های فولک اسکاندیناوی را با عناصر کلاسیک ژانر وحشت ترکیب می‌کند و داستان دامداران ایسلندی را تعریف می‌کند که کشفی حیرت‌انگیز دارند. راپاس در جوایز سیتخس توانست جایزه بهترین بازیگر زن را هم از آن خود کند و آن را به صورت اشتراکی با سوزان ینسن به خاطر ایفای نقش در فیلم ژانر وحشت اتریشی «شیطان» ساخته پیتر برونر دریافت کرد. یوستین کورزل، کارگردان اتریشی برنده جایزه بهترین کارگردان برای فیلم ژانر وحشت «نیترام» شد که درباره رخدادهای منجر به کشتار پورت آرتور در جزیره تاسمانی در سال ۱۹۹۶ است. جایزه بهترین بازیگر مرد به صورت مشترک به کیلب لاندری جونز در فیلم «نیترام» و فرانز روگوسکی در فیلم «شیطان» رسید. جایزه ویژه هیات‌داوران سیتخس به فیلم «بعد از آبی» ساخته برترند ماندیکو رسید. این فیلم علمی- تخیلی فرانسوی درباره سیاره‌ای دیگر است که در آن فقط زنان می‌توانند زنده بمانند. فیلم «معصومان» اسکیل ووگت هم که در کن نمایش داده شده بود، تقدیر ویژه هیات داوران را دریافت کرد. این فیلم با بودجه پایین درباره گروهی از کودکان نروژی است که امکان ابرقدرت بودن را به دست می‌آورند و این اتفاق عواقب نابودکننده‌ای دارد. کامیل گریفین هم به خاطر «شب ساکت» که فیلمی در ژانر وحشت با نقش‌آفرینی لیلی-رز دپ و کایرا نایتلی است برنده جایزه بهترین فیلمنامه شد. جشنواره فیلم سیتخس که از ۷ اکتبر شروع به کار کرده بود ۱۷ اکتبر به کار خود خاتمه داد. این جشنواره اسپانیایی که از سال ۱۹۶۷ شروع به کار کرده از مشهورترین جشنواره‌های جهان در زمینه فیلم‌های فانتزی و وحشت است.

روایت فریاد ۱۷ اکتبر تا آتش در بیروت

مستند «سحر» روایت فریاد ۱۷ اکتبر تا آتش در بیروت» به کارگردانی «حسین پاک» در حوزه هنری اکران عمومی شد.

به گزارش «وطن‌امروز»، در مراسم رونمایی این مستند، حسین پاک کارگردان مستند سحر، در ابتدای صحبت‌های خود گفت: این مستند را تقدیم روح شهدای بیروت می‌کنیم.

وی با اشاره به نحوه شکل‌گیری این مستند نیز بیان داشت: چند هفته بعد از اعتراض مردم لبنان برخی‌ها حرف‌هایی زدند و بعد از بررسی متوجه شدیم خانم غدار در فضای توئیتر بسیار موثر بودند و هشتگ‌هایی که می‌زدند تاثیرگذار بوده است.

پاک درباره خط اصلی این مستند گفت: در پی تلاش برای زدن محور مقاومت یعنی ایران و بعد از اینکه خط اعتراضات توسط حزب‌الله مشخص شد، ما نیاز به انداختن چراغ داشتیم تا برای مخاطب داخلی و غیرایرانی آن را روایت کنیم.

همچنین در ادامه سحر حسین غدار خبرنگار لبنانی گفت: در چنین روزهایی انتفاضه در بیروت شروع شد و این جنبش از دل رنجش ملت لبنان به وجود آمد و مشکلات اقتصادی و معیشتی بسیاری داشت و طی ماه‌های مختلف دولت فشارهایی را بر ملت لبنان وارد کرد. پس از بحران نان و بنزین، مشکلی برای لبنان پیش آمد که آتش‌سوزی در جنگل بود و دولت لبنان قادر به کنترل آن نبود.

وی ادامه داد: آتش بحران‌ها زمانی شعله‌ور شد که وزیر مربوط، مالیاتی را بر برنامه واتساپ قرار داد و زمانی که مردم به خیابان‌ها آمدند، می‌خواستند مخالفت‌شان را در برابر حکومت‌های فاسد اعلام کنند اما به محض اینکه پای سفارت و دستگاه‌های امنیتی به میدان‌های تظاهرات باز شد، شاهد شعارهایی بودیم مبنی بر اینکه مقاومت باید از بین برود.

وی افزود: از سویی برای ما سخت بود که در میدان‌ها بمانیم و مخالفت خودمان را اعلام کنیم. منظورم سلاح مقاومت و حزب‌الله است. برای اینکه بخواهیم از نقش بانوان لبنانی صحبت کنیم باید درباره نقش‌آفرینی آنها بگوییم. زن شرقی این ویژگی را دارد که بتواند بنیان خانواده‌اش را بسازد و به زندگی زناشویی‌اش برسد و همین زن شرقی و لبنانی همزمان محدودیت‌هایی هم دارد که زن‌های غربی با آنها مواجه نیستند.

خبرنگار لبنانی افزود: ما به عنوان فرزندان مقاومت باید بدانیم چگونه در شبکه‌های اجتماعی حضور داشته باشیم. کشور لبنان در برابر دوراهی‌ای قرار دارد که یا باید تسلیم سیاست‌های آمریکا و صندوق بین‌المللی پول شود یا به سمت سیاست‌های تعیین‌کننده دولت لبنان برود.

وی ادامه داد: برای این کار باید روابط با سوریه گشایش پیدا کند. مورد بعدی رو آوردن به یک مدل اقتصادی به عنوان کشوری شرقی است. طبیعی است ما ببینیم لبنان با کشورهایی مثل سوریه و عراق ارتباط داشته باشد.

غدار در ادامه بیان کرد: به محض اینکه این صحبت‌ها پیش می‌آید که روابط لبنان با این کشورها بهبود خواهد یافت، افرادی مخالفت‌شان را اعلام می‌کنند. پس از انفجار ۴ آگوست در بندر بیروت و پس از اینکه سیدحسن نصرالله تصمیم گرفت سوخت را از ایران وارد کند، ما شاهد بودیم که این اقدام در رسانه‌های لبنانی و شبکه‌های آنها محکوم شد و کسانی که با این هشتگ‌ها در توئیتر آشنا شدند می‌دانند چه اتفاقی افتاد. اما ما هیچ‌روزی را شاهد نبودیم که ایران مخالفتی با لبنان داشته باشد، بعد از این جریان، تظاهراتی شکل گرفت و عده‌ای می‌گفتند اشغالگری بر لبنان را بردارید که تعدادشان هم ۱۶ نفر بود.